

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد      بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

## مرغ هوس

شرم و حیا ، تا که گریزان نشد  
چشم چرانی ، سوی خوبان نشد  
جامه اگر ، مانع خورشید تن  
مشرقی ، جز چاک گریبان نشد  
تیر نکه باز خلیدن گرفت  
سینه مشبک ز حریفان نشد  
مرغ هوس ، از در باز قفس  
دانه ز تن چید و ، هراسان نشد  
پیر ، جوان گشت و جوان نوجوان  
حاجت داروی ، طبیبان نشد  
محشری برپاست ، گشا چشم دل  
مفت ، گران گشته و ارزان نشد  
آتش سوزان حریر بدن  
شعله ور از فسق ملایان نشد  
پیکر و اندام ، کند جلوه ها  
فرق ، میان گل و ریحان نشد

یک وجب از دور کمر ، بی حجاب  
ناف ، نمایان شد و پنهان نشد  
دامن خورشید ، بلندی گرفت  
رفت به بالا و ، به پایان نشد  
میوه شیرین نهال بدن  
وای که عریان شد و لرزان نشد  
زینت او ، حلقه و هم تاپه ها  
قصه ناف است و ز پستان نشد  
تسمه باریک وفا ، سه طرف  
صبر گریزان و به فرمان نشد  
رفته به دور کمر از راست و چپ  
تا وسطش دره پغمان نشد  
تونل تنویر ، شدی افتتاح  
کوتل تقدیر ، چراغان نشد  
راکت و خمپاره ز دیوار و در  
فیر شد و خانه ویران نشد  
دختر تزویر ، ز تقصیر ما  
حامله گردیده و ، زایان نشد  
زحمت بیهوده حکاک ، بین  
سنگ سیه ، لعل بدخشان نشد  
« نعمت » اگر گفت ز رسم زمان  
لافی زد و ، وارد میدان نشد